

آینه‌های روبه‌رو

حرف‌های سینماگران

■ **عبدالرضا کاها‌نی کارگردان «بی‌خودوبی‌جهت»:**



فکر می‌کنم در این فیلم، شوخی نامناسب وجود ندارد و من کمی بدنام شدم‌ام. من به‌دلیل سابقه فیلم‌هایی که در گذشته‌ساخته‌ام، بسیار نگران بودم. این نگرانی تا حدی بود که همه گروه به‌شدت از دیالوگ‌ها مراقبت می‌کردند و کار احمد مهران‌فر تقریباً مهار دیالوگ‌ها بود. من تا جایی که مغزم کار می‌کند، تلاش دارم تمام جزئیات را در فیلمنامه بیاورم. اما مطمئنم شما هم قبول دارید که آوردن همه جزئیات زندگی در یک نوشتار غیرممکن است. جزئیات بیشتری که در فیلمنامه جایی ندارد در تمرین‌های گروهی که با بازیگران داریم به‌دست می‌آیند. هر واقع، هر کدام از بازیگران با خود چیزی به فیلم می‌آورند و من فقط آنها را مدیریت می‌کنم. هرچند از نظر کیفیت بخش فیلم در سالن مرکز همایش‌های برج میلاد، هم صدا نامناسب بود و هم تصویر در بخش‌هایی «فلو» بود.

حسن فتحی کارگردان «یک روز دیگر»: من پاریس را برای ساخت این فیلم انتخاب کردم نه به دلیل زیبایی‌اش بلکه به دلیل ویژگی‌های فرهنگی‌ای که دارد و به محل اجتماع قوم‌ها و نژادهای متعدد تبدیل شده است.فرانسه ۶۰ میلیون جمعیت دارد و هر ساله ۸۰ میلیون نفر هم به‌عنوان مسافر به این کشور سفر می‌کنند. زمانی که در فرانسه هستید احساس می‌کنید عصاره‌ای از جهان در این کشور وجود دارد. هر چند با این حرف موافقت می‌کنم که ایده این فیلم می‌توانست برای ساخت یک فیلم کوتاه مورد استفاده قرار گیرد اما من دوست داشتم این ایده به یک فیلم بلند تبدیل شود چون با نمایش نژادها و قومیت‌های مختلف حرفی را که در این فیلم درصدد گفتنش هستیم بهتر و عمیق‌تر منتقل می‌شود.

رضا درمیشیان کارگردان «بغض»: پروانه ساخت این فیلم سالل ۸۸ در ارشاد صادر شد. مراحل ساخت طول کشید و مجوز ساخت این فیلم مشروط بر اینکه در خارج از کشور تولید شود صادر شد. البته به من گفتند می‌توانم این‌این ایده را در فضای قبل انقلاب برگردانم و دو شخصیت اصلی فیلم برای سرعت به مغازه عموی خود که یک ساواکی بود بروند. اما من این موضوع را قبول نکردم و با تعامل با تهیه‌کننده تصمیم گرفتیم در ترکیه کار تولید را انجام دهیم. من در این فیلم دنبال روایت بوده و شاعران دادن منظره نبود. دو روایت موازی از دو مقطع زندگی دو جوان را به تصویر کشیدم.همیشه دعای خیر داربوش مهرجویی با من است. چند روز پیش به من گفتند که فیلمت را سانسور کن و کنار بیا. ببین با فیلم «بانو» من چه اتفاقی افتاد. جهان سوم همین است.

غلامرضا موسوی تهیه‌کننده: حق زحمت عوامل این‌ فیلم بود که بهتر از این دیده شوند. کمیته انتخاب برای حضور برخی از فیلم‌ها و نبود آثار دیگر کنفرانس مطبوعاتی بگذازند و صحبت کنند. نظر دوستان دیگری هم بود که در حق «بغض» ظلم شد. این فیلم با زحمات زیادی ساخته شده است. شرایط ساخت سخت بود. خوشبختانه نتیجه کار قابل دفاع است. «بغض» از هیچ کمک دولتی بهره نگرفته است. حتی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی نیز از آن حمایت نکرد.

تورج اصلائی (فیلمسبردار): همان‌طور که متوجه شدید وقتی وارد این سالن شدم صندلی نبود تا کنار دوستانم باشم. این آخرین فیلمی است که من در سینما کار می‌کنم. چون صندلی کم است تصمیم گرفتم صندلی خود را به نسلی بدهم که آنقدر به وی بی‌اعتماد هستند. دوستانی مثل مسعود سلامی، هومن بهمنش و... من این صندلی را به نسل خودم و نسل آینده می‌دهم و می‌خواهم مدتی عکاسی کنم.

حرف مسوولان

محمد صادق کوشکی عضو هیات علمی دانشگاه اسام صادق: مشکلات جشنواره فیلم فجر بسیار ریشه‌ای است. متأسفانه در این جشنواره به بسیاری از مسائل جانبی توجه می‌شود ولی به بحث حجاب هیچ اهمیتی داده نمی‌شود. این جشنواره همانند انگلیس خون بیت‌المال و نظام را می‌مکد و افرادی به‌ا پول نظام و با امنیت برآمده از سوی نظام در این جشنواره جایزه می‌گیرند ولی این افراد در همه حال با نظام مخالفت می‌کنند و نظام را مخالف آزادی می‌دانند. فیلم فجر هر سال از سال قبل بدتر و مخرب‌تر می‌شود. این جشنواره کاملاً منحرف شده و از خط اصلی‌اش فاصله گرفته است. این جشنواره باید از ریشه تغییر یابد. جشنواره باید بسته شود و با شکل نوینی شروع به فعالیت کند. افرادی که در این جشنواره هستند می‌گویند ما باید مانند جشنواره کن عمل کنیم ولی حتی در جشنواره کن هم به قوانین و مقررات احترام می‌گذارند ولی در این جشنواره به شئونات اسلامی هیچ توجهی ندارند.

حاشیه‌ها

در پایان جلسه نقد فیلم «یک روز دیگر» حسن فتحی از همه حاضران در جلسه درخواست کرد اصغر فرهادی را به دلیل اعتیاری که برای سینمای ایران به ارمغان آورده است مورد تشویق قرار دهند.

ورایتی: شصت‌ودومین دوره جشنواره فیلم برلین به روایت وزیر فرهنگ آلمان بیش از هر زمان دیگری سیاسی شده است. در این دوره جشنواره «قدرت و آزادی» دو تم مرسوم ۱۸ فیلم حاضر در بخش مسابقه جشنواره است که برای خرس طلایی رقابت می‌کنند. این جشنواره با فیلم درام تاریخی «دروید ملکه من» با بازی دایان کروگر و کارگردانی بونوا ژاکو فیلمساز فرانسوی آغاز شده است؛ فیلمی که با پیام سیاسی برلیناله همخوانی دارد و اقتباسی از رمان شاتلن توماس و درباره اولین روزهای انقلاب فرانسه است که از منظر خدمتکاران در کاخ ورسای روایت می‌شود. دایان کروگر نقش ماری آنتوانت را بازی می‌کند و لی سیدو در نقش سیدونی یکی از بانوهای کاخ ظاهر می‌شود.

برند نیومان، وزیر فرهنگ آلمان در مراسم افتتاحیه گفته است: «به لطف حضور انبوه فیلمسازان، فعالان و هنرمندان شجاع در این دوره از جشنواره برلین، شاهد

شرق: اعلام شده است که فقط در برج میلاد چهار هزار نفر از فیلم‌های «برف روی کاج‌ها» و «خولیم‌مید» دیدن کرده‌اند. این دو فیلم اول از دو بازیگر شناخته شد. برف روی کاج‌های سینمای ایران است که هر دو نیز در انتخاب‌های امسال داوران نگاه نو هم حضور دارند. برف‌روی کاج تا روز ۲۱ بهمن در صدر آرای مردمی بود. پیمان معادی به‌عنوان کارگردان «برف روی کاج‌ها» در سه بخش کاندیدی داوران نگاه نو شده است و رضا عطاران نیز کارگردان فیلم «خولیم‌مید» نیز همین‌طور. پیمان معادی با بازیگران گروهش مهناز افشار، ویشکا آسایش و صابر ابر به سینمای مطبوعات آمده بود تا درباره یکی از بهترین آثار جشنواره امسال سخن بگوید. او نیز فیلمی درباره خیانت ساخته بود اما سوال فیلم به گونه‌ای بود که کسی نمی‌توانست به آن جواب درستی بدهد. به گفته‌اش از حدود ۲۰۰ نفر پرسیده ولی جواب درستی نگرفته بود. وی درباره فیلمنامه که سال‌ها پیش نوشته بود، افزود: «ما در این سال‌ها آنقدر خیالت کردن را از افراد دوربر دیده‌ایم که به نظرم باید تا جای ممکن به این مساله بپردازیم.» تأثیر یا تقلید از اصغر فرهادی یکی از نکات مورد سوال بود که چنین پاسخ داده شد «همچنین از همه آنهاهی که برایشان سوال است چقدر تحت تأثیر اصغر فرهادی هستیم، باید بگویم آنقدر از او یاد گرفتم‌ام که حرف خودم را بزنم و خودم باشم که فکر می‌کنم نیازی به تقلید کردن از او ندارم. امیدوارم خدا اصغر فرهادی را برای سینمای ایران نگه دارد.» به گفته صابر ابر، بازیگر این فیلم: «چیزی حدود سه ماه تمرین داشتیم و لحظات خوب و بکری را کشف کردیم. این شیوه تمرین کردن بسیار جذاب بود و امیدوارم در پروژه‌های بعدی هم ادامه داشته باشد. در تئاتر اجرای هر شب باعث می‌شود ما کامل شویم اما در این کار تمرین‌های مداوم باعث کامل شدن ما شد.»یکی دیگر از نکته‌های این فیلم علاوه بر موسیقی زیبای آن سیاموسفید

ارشاد علت مشروط بودن کتاب را اعلام نکرد



ایلتا: کتاب جدید مهرجویی مشروط اعلام شده است. این کتاب داستان مرد مسلمانی است که به آمریکا می‌رود و در آنجا با یک خانم مسیحی آشنا می‌شود و در حین آشنایی به حوادث ۱۱ سپتامبر برمی‌خورد. داربوش مهرجویی (کارگردان سینما) از اینکه کتابش هنوز در ارشاد منظر مجوز است، آزرده‌خاطر است.

نام عکاس ایرانی در میان برگزیدگان اسکار عکاسی

ابراهیم نوروزی برگزیده جایزه «ورلد پرس فتو» شد

پرویز براتی: بنیاد ورلد پرس فتو (World Press Photo) که هر سال برترین عکس‌های مطبوعاتی سال جهان را معرفی می‌کند، عکسی از ایران را به عنوان برگزیده بخش «مجموعه عکس» مستند اجتماعی در سال ۲۰۱۱ برگزید. بنیاد ورلد پرس فتو، روز گذشته در حالی اسامی برندگان بهترین عکس‌های خبری سال ۲۰۱۱ را معرفی کرد که عکس ابراهیم نوروزی از مراسم اعدام در ملا عام، به عنوان دومین برنده در بخش «موضوعات معاصر» انتخاب شد. جایزه بهترین عکس سال هم نصیب ساموئل آراندا (Samuel Aranda) عکس اسپانیایی شد. این عکس مربوط به اعتراض‌های ضد حکومتی در صنعاء، پایتخت یمن است و در آن زنی، مرد مجروحی و اعضای خانواده‌اش را در میان هواخواهان و مخالفان دولت علی عبدالله صالح به آغوش کشیده است. نوروزی در گفت‌وگو با شرق درباره برگزیده شدنش در این رویداد مهم که در مقام «عکاس عکاسی» است، گفت: «عکس من در بخش موضوعات معاصر» (Contemporary Issues) انتخاب شد و در بخش مجموعه عکس مستند اجتماعی مقام دوم را کسب کردم. این مجموعه مربوط به سال جاری است و ۱۲ عکس مستند را با موضوع انعام در شهرهای خمینی‌شهر (در نزدیکی اصفهان) قزوین در بر می‌گیرد که در مطبوعات داخلی و خارجی چاپ و منتشر شده‌اند.» نوروزی که دبیر عکس روزنامه جام‌جم است،

جشنواره فیلم برلین با «ملکه» آغاز شد

فرهادی در جمع داوران



حضور آثاری هستیم که اتفاقات آفریقایی‌شمالی و دیگر نقاط دنیا که تحت سرکوب، خشونت‌وحشیانه، استبداد و نقض حقوق بشر هستند، در آنها ثبت شده است.»از جمله این فیلم‌ها می‌توان به مستند «سزار باید بمیرد» ساخته

پائولو و ویتوریو تاوایانی برادران فیلمساز ایتالیایی اشاره کرد. داستان این فیلم درباره زندانیانی است که نمایش «جولیوس سزار» شکسپیر را به صحنه می‌برند.

بازیگران – کارگردانان موفق جشنواره سی‌ام

اکران‌های پولساز سال آینده



یک روز دیگر، حسن فتحی

بودن آن است؛ انتخابی که معادی درباره‌اش چنین می‌گوید: «حساس کردم زندگی شخصیت اول زن فیلم که مهناز افشار آن را ایفا می‌کند، سیاه و سفید است و وقتی چنین تصمیمی گرفتم، تمام فیلم و حتی طراحی دکور و لباس را نیز براساس سیاه و سفید بودن آن انجام دادیم، اگرچه معتقدم این کار ریسک بزرگی داشت. من به دلیل انجام این کار آنقدر استرس داشتم که هفته‌ها از خواب می‌پریدم. من فیلمنامه را دو بار بر اساس فیلمبرداری سیاه و سفید بازنویسی کردم

هنرمند موسیقی در بستر بیماری



ایستا: شیدا جاهدیان – هنرمند عرصه موسیقی – از پنج ماه پیش با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کند و از برخی بی‌توجهی‌ها گلهمند است. مسعود جاهد، همسر وی گفت: می‌توانم بگویم شیدا اکنون بیمار، سرخورده و گلابه‌مند تنها در خانه است.

تروریست‌های فیلیپینی گروگان گرفته می‌شوند. فیلم فرانسوی «بازگشت به خانه» ساخته فردریک ویدو هم درامی با موضوع گروگانگیری است و مضمون آزادی و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد. مایک لی، کارگردان بریتانیایی ریاست هیات داوران بخش بین‌الملل این دوره برلیناله را بر عهده دارد که تا ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) ادامه دارد. آنتون کوربین کارگردان هلندی، شارلوت گنزبورگ بازیگر بریتانیایی، جیک جیلنهال بازیگر آمریکایی، فرانسوا اوژون کارگردان فرانسوی، بوعلام سانسل نویسنده الجزایری، باربارا سوکوکو بازیگر آلمانی و اصغر فرهادی کارگردان ایرانی – که پارسال با «جدایی نادر از سیمین» خرس طلای برلیناله را برد – همکاران لی در این بخش هستند. فرهادی گفت: «سفر از اینجا شروع شد. شاید بار دیگر با فیلم بعدی‌ام اینجا باشم.» مریل استریپ، بازیگر آمریکایی در این دوره از جشنواره برلین جایزه خرس طلایی افتخاری را دریافت خواهد کرد.

نبود به طوری که سعی کرد در برابر خبرنگاران به شکلی دیگر پاسخگو باشد و با یک نقش جدید در برابر منتقدان فیلمش قرار گیرد. او فیلمی ساخته است که بازی «کبر عیدی» در نقش مادر یادآور شمه‌هایی از بازی‌های قبلی این بازیگر را داشت. عطاران از این فیلم با مرور زندگی مردی ۳۹ ساله ادای دینی به تمام نوستالژی‌ها و خاطرات داشت. مثلاً نحوه سینما رفتن یا دیدن فیلم‌های سینمایی ایران و جهان در سال‌های کودکی تا بزرگسالی. او از فیلم‌هایی که در تمام این سال‌ها مردم دوست داشتند و یا خاطره داشته‌اند یاد کرد. پس از سال‌هاست که بر صحنه بزرگ سینما از شعله تا زوررو برپادرفته تصویری نقش خواهد بست. او در نشست فیلمش سعی کرد درباره تغییر ساختار آثارش نیز سخن بگوید و چنین گفت: «من آدم رکیکی هستم، تغییر هم نمی‌کنم و به فیلم‌های سخیف تعلق دارم.» وی همچنین درباره تغییر لحن و استفاده از الفاظ رکیک در فیلمش، گفت: «این کار تعمدی بود و سعی کردیم از جایی لحن فیلم آگاهانه عوض شود و شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر می‌کنم بعضی تغییرات در سینمای کمدی شوخی‌ها به مسیری هدایت شود. مشکل اصلی وجود خود من است و شاید اگر من نبودم و فیلم اول شخصی دیگری بود و پیش‌زمینه‌ای وجود نداشت، اینقدر توقع بالا نمی‌رفت. در واقع مردم می‌خواهند با دیدن من ببخشند اما من امیدوارم فیلم جوری دیده شود که انگار من آن را نساختم. بادی در سرم افتاده و فکر